روش ایب حزم در تعارش
کتاب "حجة الوداع"

علم حدیث
در خدمات تاریخ

اثر: عبدالله‌محمد ذوالله
ترجمه: رسول جعفریان

برداخته‌اند و این به دلیل ارتباط و تأثیر
و تأثیر است که مبانی شیوه‌های محدثان
و مورخان وجود دارد. با نگاهی به
بیشتر مورخان مسلمان‌نیستین،
در می‌آید که آنان قبل از آن‌گه مورخ
باشدند، محدث بوده‌اند، همچون: ابن
اسحاق، واقعی و طبری.

روشن است که علم حدیث، نقطه
آغازین دبیر علوم اسلامی بوده و
اساسی است که سابر علوم اسلامی از آن
منشا گرفته و به مرور زمان رشد یافته
است. اهمیت نقش احادیث شریف
نبوی برای "تدوین تاریخ" مسائلی
است که بخی یا محققان بدین

* این مقاله از کتاب "دراسات در التاریخ الاندلسی": 178 - 179 برگرفته شده است.
خم باره مقالات و نوشته‌هایی
وجود دارد که تأثیر حديث را در تدوین تاریخ، مورد بررسی قرار داده است. از این و هدف بحث ما دنیال کردن این موضوع نیست، بلکه کوشش محدودی است برای پرتوافکنی بر شیوه یکی از نویسندگان مسلمان، که کوشش کرده است تا با استفاده از احادیث شریف نبوی، به ارزیابی حوادث تاریخی بردازد؛ یعنی بررسی شیوه این حزم در کتابی با نام «حجةالوداع» که بر پایه بهره‌گیری از احادیث شریف نبوی است، خواسته تا این سنگ پربرکت پیامبر ص - را از مدت همه مکه به نگارش درآورد.

ابو محمد علی بن احمد بن سعید بن حزم اندلسی، یکی از پژوهشگران متخصصان اسلامی است که بطور خاص در اندلس، و بطور عاده در کل جهان اسلام درخشیده است، بطوری که مؤلفات گسترده وی، شامل پیشینه‌های معرفت بشری به‌همچون فقه، تاریخ، علم

میقات حج

اخلاق، منطق، فلسفه، ادبیات، انساب، عشق و شعر می‌شود. ۲۰ حزام در مرآ فطر سال ۷۲۶ هـ در قرطبه مولود شده و در سال ۵۵۶ در گذشته است. کتاب‌های شرح حال بدن اشاره دارند که وی حافظ، عالم به حديث و فقه الحدیث، اهل استنباط احکام از کتاب و سنن، و مبتکر در دانش‌های فراوان و عامل به علمش بوده است.

همچنان این حزم به بحث و مناظره با اندیشمندان دیگر مهم‌تر شد و این به دلیل عهدی است که خداوند از علما گرفته تا حقیقت را برای مردم بیان کرده و آن راکنان نکنند.

ابن حبان، مورخ اندلسی (م ۴۱۹) در این زمینه می‌گوید: ۴ این شیخ [ابن حزم] با یهود ... لعنتهم الله و دیگر مذاهب باطل نشسته و اخبار مکونه‌ای دارند و در همین باره دارای مسقّاتی نیز هست که شناخته شده است، مشهورترین آنها کتاب «الفصل بین اهل
آراء و النحل» می‌باشد. آنچه که برای بحث ما دو درجه اول اهمیت قرار دارد آشنا با نلاشهای این حزم در ارتباط با احادیث شریف نیوی و بکارگیری آنها در ارزیابی حوادث تاریخی است. 

او دانش واقع در فقه الحديث دارد، بطوری که کتاب بزرگی به نام «البصال الفهم الخصال لجمل شراب الاسلام في الواجب والحرام والصائر والاحكام على ما ووجه القرآن والسنة والجماع» نوشته و در آن آراء صحابه، تابعين و دیگر ائمه مسلمانان را در مسائل فقهی با ذکر دلیل و نقد آنها و نیز احادیث مربوطه آورده است.

این حزم در کتاب «حجةالوداع» که در باره آن به تفصیل سخن خواهیم گفت - سفر پیامبر - ص - را از مدنی به مکه برای ارادی آخرین حج، نگاشته است. این کتاب سند بر ارزش تاریخی برای این سفر مقدس است؛ چرا که مؤلف تمامی مسائل فقهی کوچک و

برگ زان، سنتهای دینی و اواخر و نواحی را مستند به احادیث نبوی و با سندوی صبح و آلهه قوی به عنوان مؤید همراه با سلمه علمی و روشی دقیق آورده، روشی که کاملاً منحصر به خود اوست در بحث پیش گرفته است. این پیگیر شده است. این قدم به قدم پیامبر - ص - را دنبال کرده و از مبنا به سوی مکه، و از آنجا به عرفات و منطق آمدوس و پس از آن به مبنا بارگشت است.

این کتاب از جمله کتابهای معروف این حزم محسوب می‌شود که محفوظ و ناشناخته مانده، اما با تلاشهای دکتر مدنی در اصل این کتاب با ارزش پافته شده است. این پافته را تحقیق کرده و همراه تعلیقات منتشر نموده است.

این حزم در آغاز، مختصی از اخبار حجةالوداع را آورده، بدون آنکه به هرگونه حديثی اشاره کند. این فصل اول کتاب از را تشکیل داده است.
آنها را متعارض دانسته و به همین دلیل بحث در آنها را رها کرده‌اند. این مسئله این حزم را برانگیخته تا ضمن دقت و کوشش، آنها را مرتب و منسجم کرده و بطور "سهل‌الوصول" در اختیار مردم بگذارد.

او می‌نویسد: وقتی که ما در آنها تأمل و تذیب کردم به‌کمک خداوند، نه به قوت خودمان، اما با هم سازگار و در ارتباط با یکدیگر و به ووجه آنها روش است، مگر فسمند که ما نتوانستیم در آن باره حقوق مطلب را روشن کنیم. 

اینکه مسیح که روشناب حزم و دقت علمی از آشکار می‌شود، بطوری که به اشکال موجود اعتزاز کرده و بطور صریح می‌گوید که: نمی‌تواند صحت یک نص را در حالتی که نمی‌داند کدامیک از آن دو نقل درست است، مشخص سازد.

آن بحث این است که "پیامبر در روز عید قربان در منى نمای خواهد با مکه؟".
بعد اظهار می‌کنند: «شاید دیگران بتوانند این مطلب را رونم کنند، اگر چنین کرد آن را به مجموعه‌ها ملحق سازد تا خداوند پدیده فراوان به او دهد. با این حال ما از اینکه و جه درست این مطلب را ببایم نا امید نیستیم.»

این حزیم در جهان بحث تاریخی خود روایات مختلف را نقل کرده و تصريح نیز می‌کند که یکی از آنها درست و دیگری نادرست است، اما آن راک درست است معین می‌کند. 

او در باره چیزی که براش روشن نشده حکم نکرده و جسارت در اظهار مطلبی که برحیچه آن اگاهی ندارد نمی‌کند. از «حکم به رأی» به خدا پناه می‌برد، چرا که به قول خودش این کار قدم کوری است که دیندار و عاقل برای خود نمی‌پسندد.

با این وجود، این حزم از نویسنده است نکات از آنی که لافیل بکی را بر دیگری ترجیح دهد، از مسائل بکری، او حدیث جابر و عایشه را که منافقاند بر اینکه

۱۷ در کتاب وجود دارد، از علی مؤلف
بر معنی مبهم و در ثبت تاریخ وی، برای حجّة‌الوداع است می‌آورد. ***۱۸*** کمّا این‌که برخی از مناسک را ضمن آوردن احادیث، شرح می‌دهد. ***۱۹***

در این حال برای اثبات سخن خود چند حديث با یک حدیث، حتی اکر مشتمل بر جمله‌ای است که می‌تواند دلیل برای او باشد، می‌آورد. مثلًا می‌گوید: «ما این حديث را آورده‌ایم بخاطر همین یک جمله، فانظرها یا اعلی مکه چنین چاپ‌های.» ***۲۰*** این بدان معناست که نمی‌خواهید حتی یک جزء از سخن‌خوان بدون استناد به یک حدیث باشد. گاه نیز به معنی برخی از روات می‌پردازد. ***۲۱*** کمّا این‌که گاه یک حدیث را مکرر اما با روات مختلف برای اثبات سخن خود می‌آورد. ***۲۲***

شیوه این حمزه در تألیف این کتاب، همانگونه که گفته‌ام، اعتماد بر احادیث به عنوان دلیل بر حوادث تاریخی است. در اینجا مناسب است نمونه‌هایی از کار او را ارائه دهم:

مصادر این حمزه در تألیف حجّة‌الوداع طبعاً احادیث شریف نیست، بلکه اساس در تألیف کتاب بوده و او بر سلسله روات تکیه دارد. رواتی که خود پا ناظر حادثه بوده و یا از رسول‌الله چیزی شنیده و خودشان در این حجّ مشغول اعمال بوده‌اند. این حمزه، همیشه شاهد عینی را در نگاشت تاریخ متذکر می‌شود؛ زایر به دلیل مشاهده، برکسی که شاهد بوده برتری دارد. ***۱۷*** او در مواردی بیش از یک حديث را که
کردن، بداندلیل است که: ما قبلًا در این کتاب اثبات کردنی آن حضرت روز پنچشنبه، شش روز مانده به تمام ذی‌القعده از مدتی خارج شد، بنابراین بدون شک آغاز ذی‌الحجه روز چهارشنبه بوده و بدون شک شب پنچشنبه رؤیت هلال ذی‌الحجه کرده و همچنین، این درست است که روز عرفه در این حج، روز جمعه بود، بنابراین استحلال ذی‌الحجه بدون شک شب پنچشنبه بوده؛ زیرا عرفه روز نهم ذی‌الحجه است. م.”

دقت در این عبارت نشان می‌دهد که این حزم اللفاظ تأکید را فراوان بکار گرفته و این به دلیل یقین او بکفته‌هایش و اطمینان است که به خود دارد. این کلمه "بدون شک" را در این عبارت و سایر موارد کتاب خود بارها بکار برده است. ۲۵

شیخ خویی که این حزم از آنان مطلب قبول می‌کند، فراوانند. اما او تنها به برخی از آنان اعتماد می‌کند. از آن جمله‌اند:
محض داست که نه سال بطول انجامیده

است. ۳۰

سه روایت از احمد بن قاسم بن محمد بن قاسم بن اسحاق بیانی ۲۵ و سه

حذف از احمد بن محمد معروف به ابن جسور آروده که آخری به روایت

کتاب تاریخ طبری شهرت دارد. ۳۱ طبری

در داخل سلسله سند، دو حذف از

احداث این جسور را آروده. ۳۰ این

حذف از برخی از شیخوخ تاریخی یک حذف

روایت کرده، مشهور ترین آنها احمد بن

محمد بن عبدالله طلمبیکی است که امام

در قرآن بوده و بعد از سال

۱۵۲ هجری وفات یافته است. ۳۰

سلسله سند این حذف بسیار دراز بوده

و گاه نا دوا دوا می‌رسد، بحث ما در

اینجا آنها درباره آخرين فرد از این

سلسله است تا بتوانیم فکر اشخاصی که

احداخت به آنها منتهی شده و آنان بطور

مستقل از رساله ل س م شنیده‌اند

مشخص کنیم، و این خود بطور طبیعی,

در صد و واقعی را که این حذف در

عبدالله بن يوسف هنای باکیه ابن محمد؛

که این حذف ضمن تمیماد او، ۲۲ بیش از

هفت‌د و پنج حذف از وی آروده

است. ۲۷

همچنین از عبدالله بن ریفی بن عبدالله

التمامی (م ۶۱۵ ه) ۲۰ بیش از پنج‌اه

حدد فی سنهای مختلف نقل کرده

است. ۲۰

از دیگر شیخوخی که از آنان روایت

کرده، عباد الرحمن بن عبدالله بن خالد

همدانی است که شهرت به حذف و

رواپات داسته ۳۰ و بیش از سی رواپات از

وی نقل کرده است. ۲۱

راوان دیگری نیز هستند که این

حذف برخی از احداث را از آنان نقل

کرده که جمله: حماس بن احمد هفت

حدوث، این شخص محدث قرطبه

است. ۳۰ از احمد بن عمر بن اس عذری

بنج حذف رواپات کرده ۳۰ این شخص

به اهمام به حذف و قرأت کتاب‌های

حدودی موفق همچنین صحیحین شناخته

شد است. او سفیری به شرق برای سماع
روش ابن حزم در نگارش کتاب «حجة الوداع»

روایاتی از حجة الوداع آورده می‌کند.

با ملاحظه استادی این احادیث در بینهم که ۳۸ حديث از عابدبن‌رشد، ۱۲۵ حديث از سبیل، ۵۷ حديث از سبیل، ۱۱ جابر بن مسلمه، ۱۳ آیورده است.

ابن شهاب زهری در طریق شش حديث آمده و احمد بن حنبل در طریق چهار حديث و اوزاعی در طریق چهار حديث. 

ابن حزم با ابن روشکی که به سبک محدثین اعمال کرده، توانسته به پایه احادیث شفیف نبوی که به سلسله سندی استوار از طریق روات قابل اعتماد به نسل وی رسیده، دلایل محکمی بر درستی معلوماتی که در باره حجة الوداع آورده اقامه کند. ابن تلیش ابن حزم از تلاش‌های واژگذاری است که علم حديث را به استحصال ارزیابی حقیقی تاریخی درآورده است. چنین روشی از چنین
الدخيلة في محاسن اهل الجزيرة آورده.
م 1، ص 176.
5 - ابن كتاب در 5 جلد با اين نام جاب شده:
الفضل في الملأ والاهواء والنحل» (قاهرة 1341 - 1347).
6 - نُكَّاه كَیْنِم: الحمیدی ص 39.
7 - نُکَّاهُ كَینِم بِهَ: مقدمه ذكر مصدوح حفی لله در
آغاز طبع اول ابن كَیْنِم آورده (بيروت 1969).
8 - حجۃ الدعاو، ص 13.
9 - همیян، ص 31.
10 - همیян، ص 38.
11 - همیян، ص 15 - 16.
12 - همیян، ص 116 - 117.
13 - مقایسه کینِم: همیمان، ص 15 - 31 (33، 136، 137، 144).
14 - مقایسه کینِم: همیمان، ص 91 - 135.
15 - مقایسه کینِم: همیمان، ص 91 - 135.
16 - به عنوان مثال نُکَّاه نُکَّاه بِه: همین، ص 18.
1- به عنوان نمونه رک: عبدالعزیز الدوری، بحث
في نشأة علم التاريخ (بيروت 1969) اكرم
العمري، بحوث في تاريخ السنة المشرفة
(بغداد 1917) صالح أحمد العلي، الرواية و
الاستاذ، مجلة المجمع العلمي العربي، ج 1،
م 31 (بغداد 1980) محمد جاسم حمادي،
آخر دراسة الدوين والاستاذ في الحديث على
اشر وتطور الفكر التاريخي، مجلة المؤرخ
العربي عدد 23، بغداد 1976.
2 - نُکَّاهُ كینِم بِه: رسائل ابن حزم الآندلسي،
تحقيق: أحمد عباس (بيروت 1980).
3 - الحمیدی، جزءة المقتبس (قاهرة 1966) ص
408 في باره سُئل ذلک ابن حزم كَیْنِم
فواوانتي توشته شده و نُکَّاه كَینِم جديد در
برسی فکر او به عنوان مثل نُکَّاه كینِم به
الطاهر احمد مکی، دراستات عن ابن حزم و
كتابه طرق الحمامة (قاهرة 1976) زکريا
ابراهیم ابن حزم الآندلسي (دارالفکر العربي،
قاهره، بدون تاريخ) در زبان استنیانی نیز
نوشتهای زیادی در باره او مست.
4 - روايات ابن حدان، را ابن بسام الشنیری در
روش ابن حزم در نگارش کتاب "حجة‌الوداع"

و مقایسه کنید: ص 21 - 37
17 - همان؛ ص 16.
18 - نگاه کنید به: همان؛ ص 51 - 69.
19 - همان؛ ص 176.
20 - همان؛ ص 171.
21 - همان؛ ص 83 - 105.
22 - همان؛ ص 51 - 88.
23 - همان؛ ص 171.
24 - همان؛ ص 32.
25 - به عنوان مثال نگاه کنید به: ص 37، 40 - 66، 123.
26 - همان؛ ص 56، 59 - 69.
27 - همان؛ جزوه المفقود، ص 268.
28 - احادیث وی در ص 156 - 162 آمده است.
29 - همان؛ ص 171.
30 - همان؛ ص 175.
31 - به عنوان مثال نگاه کنید به: حجة‌الوداع، ص 31 - 40، 76، 85.
57 - همان؛ ص 171.
58 - همان؛ ص 38.
59 - همان؛ ص 90، 119، 126، 130.
60 - همان؛ ص 151، 169.
61 - همان؛ ص 27.
62 - همان؛ ص 100.
63 - همان؛ ص 37.
64 - همان؛ ص 127.
66 - همان؛ ص 175.
67 - همان؛ ص 171.
69 - همان؛ ص 126، 127.
70 - همان؛ ص 126.
71 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
72 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
73 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
74 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
75 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
76 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
77 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
78 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
79 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
80 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
81 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
82 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
83 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
84 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
85 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
86 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
87 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
88 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
89 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
90 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
91 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
92 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
93 - همان؛ ص 126، 130، 134، 136، 148.
<table>
<thead>
<tr>
<th>عدد</th>
<th>ميقات حج</th>
<th>ص</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>71</td>
<td>همان</td>
<td>78</td>
</tr>
<tr>
<td>56</td>
<td>همان</td>
<td>92</td>
</tr>
<tr>
<td>57</td>
<td>همان</td>
<td>99</td>
</tr>
<tr>
<td>58</td>
<td>همان</td>
<td>99</td>
</tr>
<tr>
<td>59</td>
<td>همان</td>
<td>88</td>
</tr>
<tr>
<td>60</td>
<td>همان</td>
<td>33</td>
</tr>
<tr>
<td>71</td>
<td>همان</td>
<td>132</td>
</tr>
</tbody>
</table>